

بررسی ساختار و مفهوم دلتنگی عاشقانه در زوجها

تارا منصوری^۱

خدیجه آراین^۲

محمدرضا فلسفی نژاد^۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۵

تاریخ وصول: ۹۰/۲/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ساختار و مفهوم دلتنگی عاشقانه با استفاده از روش «تحلیل اولیه» در زوجها ایرانی انجام شده است. ابتدا نمونه‌ای از جوانان (۱۸ تا ۳۳ سال) خصیصه‌های مربوط به احساس دلتنگی عاشقانه را آزادانه فهرست کردند (مرحله اول). سپس نمونه دیگری از جوانان (۱۸ تا ۳۳ سال) خصیصه‌های فهرست شده در مرحله اول را از نظر مرکزیت نمره‌دهی کردند (مرحله دوم). با استفاده از بیست خصیصه برتر از نظر مرکزیت «الگوی اولیه» دلتنگی عاشقانه بدست آمد که برای پاسخگویی در اختیار دو گروه دیگر از زوجها «دور از یکدیگر» و «در کنار یکدیگر» (۱۸ تا ۳۳ سال) گذاشته شد (مرحله سوم). نتایج حاصل از

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره.

۲- استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

۳- استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

تحلیل عاملی اکتشافی بر روی داده‌های مرحله سوم پژوهش سه عامل را برای «الگوی اولیه» دلتنگی عاشقانه مشخص کرد که عبارتند از: اشتیاق به ارتباط و نزدیکی، تفکر و تصویرسازی ذهنی و احساس غم و جدایی. مقایسه دو گروه زوج‌های «دور» و «نزدیک» با آزمون آماری t مستقل نشان داد که این دو گروه در هر سه عامل و نمره کل دلتنگی عاشقانه، تفاوت معناداری دارند. با محاسبه ویژگی‌های روانسنجی مربوط به «الگوی اولیه» بدست آمده برای دلتنگی عاشقانه در این پژوهش، مقیاس بیست سؤالی «دلتنگی عاشقانه» برای سنجش میزان دلتنگی در دوران دوری از یار ارائه شد (۲۰ سؤال، $\alpha = 0/921$ ، $M = 102/65$ ، $SD = 22/82$).

واژگان کلیدی: دلتنگی عاشقانه، رابطه از راه دور، تحلیل اولیه.

مقدمه

همواره در طول زندگی زناشویی شرایطی به وجود می‌آید که زوجها را به ناچار از یکدیگر دور می‌سازد. این شرایط می‌توانند بسیار ساده و روزمره مانند جدایی برای رفتن به سر کار یا سفرهای تفریحی و یا خاص و طولانی مدت مانند جدایی برای سفرهای شغلی، سفرهای تحصیلی یا اعزام به جنگ باشد. چنین رویدادهای ناخوشایندی (ترک ناخواسته یکدیگر) در تمام اعصار وجود داشته‌اند؛ سفرهای اجباری شغلی و یا جدایی ناخواسته سربازان جنگی از همسرانشان همواره دغدغه‌ای برای روابط زناشویی آن‌ها محسوب می‌شود. اما یکی از پدیده‌هایی که در دنیای امروز اتفاق می‌افتد، جدایی انتخابی زوجها برای مدت طولانی و به منظور رسیدن به اهداف شغلی و یا تحصیلی است. امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، احتمال بیشتری می‌رود که زوجها، ایده‌آل‌های حرفه‌ای خود را در دو موقعیت جغرافیایی متفاوت بیابند و غافل از سختی‌های چنین رابطه‌ای، به ناچار به جدایی فیزیکی تن داده و در حین حفظ رابطه، برای برهه‌ای از یار خود جدا زندگی کنند. چنین رابطه‌ای که در آن زوجها به دلایلی مجبور

به زندگی در دو موقعیت جغرافیایی به دور از یکدیگر بوده و نمی‌توانند هرگاه اراده می‌کنند با یکدیگر دیدار کنند «رابطه از راه دور^۱» نام گرفته است.

از اساسی‌ترین و پر اهمیت‌ترین تأثیرات «رابطه از راه دور» بر زوجها را می‌توان احساس دل‌تنگی^۲ دانست که ناشی از عدم حضور آنها در کنار یکدیگر در لحظه دلخواه است (لی^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). این احساس که در این جا از آن با اصطلاح دل‌تنگی عاشقانه^۴ یاد می‌شود، به طور وسیعی در ادبیات روان‌شناسی نادیده گرفته شده است. با توجه به متداول شدن «روابط از راه دور» و افزایش میزان جدایی بین زوج‌های عاشق، تحقیقات بسیاری بر روی اینگونه روابط در جهت خدمت به تسهیل و تقویت آنها صورت گرفته است. این تحقیقات تاکنون بر عواملی نظیر؛ پیامدهای مثبت و منفی «رابطه از راه دور» (استفورد و مِرولا^۵، ۲۰۰۷؛ میتزner و لین^۶، ۲۰۰۵ و غیره)، تأثیرات مدت زمان جدایی و فاصله جغرافیایی بین زوجها (رودس^۷، ۲۰۰۲ و غیره)، تأثیرات متقابل دوره‌های دوری و نزدیکی (زالشتاین^۸، ۲۰۰۴)، تداوم «رابطه از راه دور» (لیدون^۹ و همکاران، ۱۹۹۷)، پیامدهای بازگشت زوجها نزد یکدیگر (استفورد^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۶)، راهکارهای مورد استفاده در «رابطه از راه دور» (هالت و استون^{۱۱}، ۱۹۸۸)، تفاوت‌های جنسیتی در «روابط از راه دور» (هگلسون^{۱۲}، ۱۹۹۴) و غیره متمرکز بوده‌اند اما از این میان تنها تحقیق لی و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی دل‌تنگی عاشقانه پرداخته است.

-
1. long distance relationship
 2. missing
 3. Le
 4. romantic missing
 5. Stafford & Merolla
 6. Mietzner & Lin
 7. Rhodes
 8. Sahlstein
 9. Lydon
 10. Stafford
 11. Holt & Stone
 12. Helgeson

لی و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق خود از روش «تحلیل اولیه»^۱ جهت بررسی مفهوم دلتنگی عاشقانه استفاده نموده و «الگوی اولیه»^۲ بدست آمده را به عنوان مقیاسی برای سنجش میزان دلتنگی در زوج‌ها به کار بستند. سپس از این مقیاس جهت بررسی رابطه میان میزان و نحوه تجربه دلتنگی با متغیرهای وابسته‌ای نظیر احساس تنهایی، سبک دلبستگی و میزان تعهد استفاده نمودند که از این میان، سبک دلبستگی را به عنوان بهترین پیش‌بینی کننده برای میزان دلتنگی معرفی کردند. علاوه بر این مقایسه داده‌های حاصل از سنجش میزان دلتنگی در زوج‌های «دور» و «نزدیک» نشان داد که میزان دلتنگی در «روابط از راه دور» به طور معناداری بیشتر از «روابط رو در رو» است.

شناخت عواملی که موجب برانگیختگی احساسات عاشقانه می‌شود می‌تواند در توضیح دلتنگی مفید باشد؛ در نظر مندler^۳ (۱۹۷۵) زندگی روزمره افراد شامل زنجیره‌ای از رفتارهای مرتبط به هم یا فعالیت‌هایی است که در آن درگیر می‌شوند و در واقع تسهیل یا وقفه در انجام این فعالیت‌هاست که منجر به برانگیخته شدن احساسات می‌شود. بنابراین طبق این نظریه از آنجا که افراد در یک رابطه عاشقانه به میزان زیادی یار خود را در فعالیت‌های روزمره شریک می‌کنند و دوری جغرافیایی به ناچار در این زنجیره رفتاری وقفه ایجاد می‌کند، تجربه دلتنگی را توان ناشی از تغییر در این زنجیره دانست.

چهارچوب‌های نظری موجود و تجربه دلتنگی عاشقانه

با وجود این که نظریه‌های زیادی در زمینه روابط صمیمانه^۴ به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به تجربه دلتنگی اشاره می‌کنند، لیکن هیچ یک از آن‌ها تعریف مشخصی از مؤلفه‌های دلتنگی ارائه نکرده‌اند. برای مثال تجربه دلتنگی عاشقانه به وضوح در ادبیات مربوط به «دلبستگی»^۵

-
1. prototype analysis
 2. prototype
 3. Mandler
 4. close relationship
 5. attachment

کودکان و بزرگسالان و پاسخ آن‌ها به جدایی به چشم می‌خورد (آینسورت^۱ و همکاران، ۱۹۷۸). اگرچه نظریه دلبستگی^۲ در ابتدا برای توجیه روابط عاطفی بین کودکان و مراقبین^۳ آن‌ها شکل گرفت اما بالبی^۴ معتقد بود که دلبستگی جزء مهمی از زندگی افراد «ز گهواره تا گور» است (ص. ۱۲۹، ۱۹۹۴؛ به نقل از فرالی و شاور^۵، ۲۰۰۰). در واقع در نظر بالبی جدایی از یار، بسته به سبک دلبستگی فرد یعنی؛ «ایمن^۶»، «مضطرب - دوسوگرا^۷» و «اجتنابی^۸» (هازان و شاور^۹، ۱۹۸۷) بر واکنش‌های رفتاری و روانی او تأثیر می‌گذارد. از آن جا که تجربه دلتنگی احتمالاً به عنوان راهی برای نزدیکی شناختی^{۱۰} با فرد مورد نظر از طریق به یاد آوردن اوست، افرادی که سبک دلبستگی مضطرب دارند گرایش بیشتری به دلتنگی برای یار خود نشان می‌دهند. از طرفی افراد با سبک دلبستگی اجتنابی که تمایل به استقلال در آن‌ها زیاد است کمتر برای یار خود دلتنگ می‌شوند چرا که تلاش می‌کنند تا هرگونه پریشانی ناشی از جدایی را سرکوب کنند (لی و همکاران، ۲۰۰۸). نتایج تحقیق لی و همکاران (۲۰۰۸) همچنین نشان داد سبک دلبستگی مضطرب در فرد تأثیرات عاطفی ایجاد می‌کند و با خصیصه‌های عاطفی تجربه دلتنگی رابطه مثبت دارد در حالی که دلبستگی اجتنابی بر روی واکنش‌های رفتاری ناشی از جدایی تأثیر گذار است و با خصیصه‌های رفتاری تجربه دلتنگی رابطه منفی دارد. با وجود این که دلتنگی در اثر جدایی از افراد نزدیک و صمیمی به وجود می‌آید، در تحقیق لی و همکاران (۲۰۰۸) همبستگی کمی میان دلتنگی و سبک دلبستگی گزارش شده است. این یافته اظهار می‌دارد که اگرچه سطح اضطراب و اجتناب فرد ممکن است در تجربه دلتنگی تأثیر گذار باشد،

1. Ainsworth
2. attachment
3. care giver
4. Bowlby
5. Fraley & Shaver
6. secure
7. anxious-ambivalent
8. avoidant
9. Hazan & Shaver
10. cognitive proximity

لیکن دلتنگی صرفاً واکنشی به اضطراب جدایی نیست. در واقع لی و همکاران (۲۰۰۸) دلتنگی را فرایندی مشابه دلبستگی می‌دانند که برای ایجاد ثبات و کنترل محیطی در فرد شکل می‌گیرد و صرفاً واکنشی به جدایی از منبع دلبستگی نیست، چرا که فرد ممکن است برای هر چیز دیگری نیز (غذای مورد علاقه خود، حیوان خانگی، دوستان و غیره) البته با میزان و ساختاری متفاوت دلتنگ شود.

مفهوم تعهد^۱ در نظریه «سرمایه‌گذاری»^۲ (راسبالت و بونک^۳، ۱۹۹۳) نیز می‌تواند توضیحی توضیحی برای ساختار دلتنگی داشته باشد. در نظر راسبالت و بونک (۱۹۹۳) میزان تعهد فرد در یک رابطه (احساس دلبستگی به یار و تمایل به ماندن با او با وجود تمام خوبی‌ها و بدی‌ها) ناشی از میزان «رضایتمندی»، «وابستگی» و «سرمایه‌گذاری» او در این رابطه است (بانتهام^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). در این جا مفاهیم «رضایتمندی» و «وابستگی» از نظریه «وابستگی متقابل»^۵ (تیبوت و کلی^۶، ۱۹۵۹) وام گرفته شده است. در این نظریه «رضایتمندی» و «وابستگی» نشأت گرفته از کیفیت دستاوردهای افراد در یک رابطه است. در واقع «رضایتمندی» ناشی از ارزیابی خوب و مثبت از این دستاوردها است و «وابستگی» از عدم وجود چنین دستاوردهایی در رابطه با افراد دیگر (جایگزین‌ها) ناشی می‌گردد. بنابراین در مسئله جدایی جغرافیایی می‌توان انتظار داشت که افراد متعهدتر برای یار خود بیشتر دلتنگ شوند چرا که از یک طرف منبع مهم ارضای نیازهای خود را که جایگزینی برای آن وجود ندارد، از دست داده‌اند و از طرفی دیگر از آنجا که در رابطه سرمایه‌گذاری بیشتری کرده‌اند با دوری از یار خود بیشتر احساس از دست دادن می‌کنند. یافته‌های لی و همکاران (۲۰۰۸) همسو با این نظریه با تأیید رابطه میان میزان دلتنگی و تعهد نشان می‌دهد که دلتنگی ممکن است بازتابی از میزان وابستگی بین فردی باشد.

-
1. commitment
 2. investment theory
 3. Rusbult & Buunk
 4. Banthama
 5. interdependence theory
 6. Thibaut & Kelley

هرچقدر که افراد برای ارضای نیازهای خود بیشتر به یکدیگر تکیه کنند، در هنگام دوری احساس دلتنگی شدیدتری را تجربه می‌کنند. از طرفی براساس نظریه سرمایه‌گذاری و نقش تعهد در بقای رابطه، تجربه احساس دلتنگی می‌تواند «رابطه از راه دور» را تقویت کند. چرا که در پاسخ به احساس دلتنگی، زوجها برای تجدید دیدار زمان، هزینه و انرژی بیشتری صرف می‌کنند که به حفظ رابطه و افزایش تعهد طرفین کمک می‌کند. علاوه بر این مرور خاطرات و خیال‌پردازی درباره یکدیگر در زمان دلتنگی، می‌تواند به تقویت رابطه آن‌ها بیانجامد.

مطابق با نظریه «گسترش خود»^۱ (آرون و آرون^۲، ۱۹۹۷) انگیزه درونی در افراد وجود دارد که آن‌ها را به سمت گسترش توانایی‌های خود از طریق افزودن دانش، تجربه، هویت^۳ و دیگر منابع فردی شان سوق می‌دهد. از این دیدگاه ایجاد یک رابطه از دو راه می‌تواند در فرایند «گسترش خود» مؤثر باشد؛ یکی با استفاده از شرایطی که طرفین برای رشد یکدیگر ایجاد می‌کنند و دیگری از طریق فرایند «تلفیق»^۴. در فرایند «تلفیق»، «خود»^۵ فرد با «خود» یار بر بر هم منطبق گردیده و همپوشانی می‌کنند و از این طریق زوجین بیشتر به منابع درونی یکدیگر دسترسی خواهند داشت که این امر پدیده «گسترش خود» را تسهیل می‌کند (لواندوسکی^۶ و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین هرگاه افراد در یک رابطه «گسترش» بیشتری را (به ویژه از طریق «تلفیق» در یکدیگر) تجربه کنند، فاصله و دوری میان آن‌ها دلتنگی بیشتری را ایجاد می‌کند چرا که افراد در این حالت بخش بیشتری از «خود» را در هنگام دوری، به طور موقت، از دست می‌دهند.

-
1. self expansion
 2. Aron & Aron
 3. identity
 4. inclusion
 5. self
 6. Lewandowski

«نگرش ضمنی^۱» افراد به یک رابطه موفق و کارآمد نیز می‌تواند بر نحوه تجربه دلتنگی آن‌ها تأثیرگذار باشد. نی^۲ (۱۹۹۸) دو نوع «نگرش ضمنی» را مطرح می‌سازد؛ نگرش «رشد^۳» و نگرش «تقدیر^۴». در نگرش «رشد»، باور فرد به این است که رابطه موفق با غلبه بر موانع و افزایش تدریجی صمیمیت حاصل می‌شود. در حالی که افراد با نگرش «تقدیر»، با اولین نشانه‌های عدم موفقیت در رابطه، به سادگی تسلیم می‌شوند و آن را رها می‌کنند. این دسته از افراد دیدگاه غیرمنعطف‌تری نسبت به عشق و انسان‌ها دارند و به طور ضمنی معتقدند که انسان‌ها تغییرناپذیرند. بر طبق این دیدگاه می‌توان انتظار داشت که افرادی با نگرش «رشد»، به دلتنگی به عنوان موقعیتی عادی و یا حتی مثبت نگاه می‌کنند که در جریان طبیعی یک رابطه اتفاق افتاده است. در این صورت نگرش «رشد» منجر به پررنگ شدن خصیصه‌های مثبت و پیش‌برنده دلتنگی در افراد می‌شود. از طرفی انتظار می‌رود که افراد با نگرش «تقدیر»، با جدایی از یار خود نسبت به آینده رابطه نگران و یا بی‌علاقه شوند در حالی که افراد معتقد به نگرش رشد، برای دیدار مجدد یار خود تلاش کرده و در این باره احساس شور و هیجان دارند. از مفاهیم مشابه با سازه دلتنگی می‌توان به تنهایی (درک فرد از جدا بودن از دیگران، بدون تأثیرپذیری از حضور فیزیکی آن‌ها) (پپلا و پرلمن^۵ ۱۹۸۲؛ به نقل از لوانا و لاولر^۶، ۲۰۰۸) و سوگ (واکنش احساسی فرد به از دست دادن و مرگ یک عزیز) (کوبلر-رز^۷؛ ۱۹۹۷) اشاره کرد که هر دو بسیار در ادبیات روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اگرچه احساس دلتنگی، احساس تنهایی و تجربه سوگ می‌توانند همپوشانی‌هایی با یکدیگر داشته باشند اما با توجه به تعاریف این سه مفهوم و مقایسه خصیصه‌های بدست آمده برای آن‌ها در

-
1. implicit theory
 2. Knee
 3. growth
 4. destiny
 5. Peplau & Perlman
 6. Luanaigh & Lawlor
 7. Kübler-Ross

تحقیقات پیشین (به ترتیب؛ لی و همکاران، ۲۰۰۸؛ هورویتز^۱ و همکاران، ۱۹۸۲؛ بورت و همکاران^۲، ۱۹۹۴) می‌توان این سه مفهوم را کاملاً از یکدیگر متمایز دانست. پژوهش حاضر کوشیده است تا با استفاده از روش «تحلیل اولیه» احساس دلتنگی را با کمک خصیصه‌های مربوط به آن تعریف کرده و ابزاری برای سنجش آن فراهم آورد. امید است تا با کمک این تحقیق بتوان از طریق شناخت ابعاد دلتنگی زمینه مناسبی را برای حفظ و تقویت روابط عاشقانه زوج‌هایی که از یکدیگر دور هستند فراهم ساخت و همچنین به مشاورینی که در حوزه زوج‌ها فعالیت می‌کنند کمک نمود تا با مقوله دلتنگی و اهمیت آن در زندگی اینگونه زوج‌ها بیشتر آشنا شوند.

روش

این پژوهش شامل سه مرحله است که در آن برای بررسی مفهوم و ساختار دلتنگی عاشقانه از روش «تحلیل اولیه» استفاده شده است. در ادامه توضیح مختصری در زمینه روش «تحلیل اولیه» آمده است.

روش «تحلیل اولیه»: «تحلیل اولیه» روشی است که خصیصه‌های رایج ولی نه لزوماً ضروری را در مورد یک سازه مشخص می‌سازد و «الگوی اولیه^۳» بدست آمده از این روش، در واقع مجموعه‌ای در هم ریخته از عناصر مرتبط با آن سازه خواهد بود (روش^۴، ۱۹۷۳). این واقعیت که افراد، در درک و ارزیابی عواطف با یکدیگر متفاوت هستند موجب می‌گردد روش «تحلیل اولیه» به عنوان جایگزینی برای دیدگاه کلاسیک که در آن هر سازه دارای لیست مشخصی از خصیصه‌های لازم و کافی است، در نظر گرفته شود. با استفاده از یک «تحلیل اولیه» می‌توان دریافت که کدام خصیصه‌ها در بین تعداد زیادی از افراد مشترک هستند. این

-
1. Horowitz
 2. Burnett
 3. prototype
 4. Rosch

خصیصه‌ها که از اشتراک بالایی برخوردارند تشکیل دهنده «الگوی اولیه» آن سازه خواهند شد که توسط این «الگوی اولیه» می‌توان افراد و گروه‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد و قضاوت‌ها و پیش‌بینی‌های مربوط را انجام داد.

اجرای «تحلیل اولیه» بر روی یک سازه روانی شامل حداقل دو تحقیق است. در اولین تحقیق شرکت کنندگان یک سری خصیصه مرتبط با سازه مورد نظر را طی یک پرسش آزادانه، فهرست می‌کنند. سپس یک نمونه دیگر از شرکت کنندگان به میزان الگو بودن خصیصه‌های فهرست شده در تحقیق اول را نمره می‌دهند، که این مسئله به محقق امکان می‌دهد تا خصیصه‌های مذکور را به صورت تابعی از مرکزیت آن‌ها دسته‌بندی کند. بعد از مشخص کردن خصیصه‌های مرکزی و غیرمرکزی، محققین نوعاً محتوای «الگوی اولیه» (معمولاً ۲۰ خصیصه برتر از نظر مرکزیت) را طی تحقیقات بعدی اعتباریابی می‌کنند.

تحقیقات بسیاری با استفاده از روش «تحلیل اولیه» به بررسی مفاهیم مربوط به روابط عاشقانه پرداخته‌اند، که عمدتاً از تحقیق فر^۱ (۱۹۸۸) الهام گرفته‌اند. فر برای اولین بار در زمینه روابط عاشقانه از روش «تحلیل اولیه» برای تحقیق در مورد عشق و تعهد استفاده کرد. از سازه‌هایی که با الگو برداری از این روش توسط محققین دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌توان حسادت (شارپستین^۲، ۱۹۹۳)، عشق (آرون و وست بی^۳، ۱۹۹۶)، کیفیت رابطه (هسه بروک^۴، ۱۹۹۷؛ هسه بروک و آرون^۵، ۲۰۰۱)، احترام (فرای و شاور^۶، ۲۰۰۲)، بخشش (کرنز و وینچام^۷، ۲۰۰۴؛ فریزن و فلیچر^۸، ۲۰۰۷) و دلتنگی (لی و همکاران، ۲۰۰۸) را نام برد.

1. Fehr
2. Sharpsteen
3. Aron & Westbay
4. Hassebrauk
5. Hassebrauk & Aron
6. Frei & Shaver
7. Kerns & Fincham
8. Friesen & Fletcher

استفاده از «تحلیل اولیه» در تحقیق حاضر، به عنوان یکی از اولین تحقیقات تجربی برای بررسی پدیده دلتنگی در زوج‌های عاشق، روشی مناسب است چراکه این مفهوم زیر شاخه‌ای از عواطف است و «تحلیل اولیه» امکان جمع‌آوری دامنه وسیعی از احساسات، شناخت‌ها و رفتارهایی را فراهم می‌سازد که مجموعاً در برگزیده تجربه دلتنگی فرد به هنگام دوری از یار است.

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

در این پژوهش دو جامعه آماری مورد استفاده قرار گرفت؛ الف) جامعه جوانان شهر تهران (دامنه سنی ۱۸ تا ۳۳ سال)، برای اجرای مرحله اول و دوم و یک بخش از مرحله سوم تحقیق. ب) جامعه زوج‌های جوان ایرانی (دامنه سنی ۱۸ تا ۳۳ سال) که دور از هم (در دو شهر یا دو کشور مختلف) زندگی می‌کنند، برای اجرای بخش دوم از مرحله سوم تحقیق (جدول ۱).

جدول ۱. اطلاعات مربوط به نمونه های پژوهش

مرحله تحقیق	توضیح	نمونه	تعداد نهایی	میانگین سنی
اول	بدست آوردن فهرست ابتدایی خصیصه‌های مربوط به سازه دلتنگی عاشقانه	اول	۹۹	۲۵/۷۵
دوم	بدست آوردن مرکزیت هر یک از خصیصه‌ها در تعریف سازه دلتنگی عاشقانه	دوم	۹۷	۲۶/۳۹
سوم	اعتبار یابی "الگوی اولیه" بدست آمده برای دلتنگی عاشقانه	سوم	۴۶	۲۷/۰۷
		چهارم	۴۷	۲۶/۳۴

بخشی از این نمونه‌ها (اول و دوم و سوم) به صورت تصادفی از میان جوانانی که در کلاس‌های خودشناسی در «مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی آوین» واقع در منطقه ۶ تهران شرکت داشتند انتخاب شدند و بخش دیگر (نمونه چهارم) با استفاده از نمونه‌گیری شبکه‌ای دعوت به همکاری شدند.

برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و همچنین آزمون مقایسه میانگین‌ها، تعیین ضرایب همبستگی، تحلیل عاملی و همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد.

یافته‌ها

«الگوی اولیه» دلتنگی عاشقانه: براساس نتایج حاصل از مرحله اول و دوم تحقیق، بیست خصیصه برتر از نظر مرکزیت به عنوان «الگوی اولیه» دلتنگی عاشقانه انتخاب شد که در جدول ۲ آمده است. بر روی داده‌های بدست آمده از پاسخ شرکت کنندگان نمونه سوم و چهارم به این «الگوی اولیه» (بر این اساس که هر یک از خصیصه‌ها تا چه میزان بیانگر تجربه آن‌ها طی شبانه روز گذشته است) تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای کل ۹۳ شرکت کننده نمونه سوم و چهارم اجرا شد. در تحلیل چرخش نیافته، بار عاملی اکثر سؤال‌ها روی یک عامل کلی قرار گرفت (KMO بدست آمده برای این داده‌ها ۰/۸۲۲ بود و آزمون بارتلت در $p < ۰/۰۰۱$ معنادار شد). با استفاده از نمودار سنگریزه^۱ تعداد سه عامل برای استخراج پیشنهاد شد. نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واریمکس و تعیین سه عامل برای استخراج در جدول ۲ آورده شده است. سه عامل بدست آمده عبارتند از اشتیاق به ارتباط و نزدیکی، تفکر و تصویرسازی ذهنی و احساس غم و جدایی که بعد از چرخش ۶۰/۵۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

1. scree plot

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی «الگوی اولیه» دلتنگی عاشقانه

عامل اول	عامل	عامل	خصوصیه‌های احساس دلتنگی عاشقانه
۰/۸۱۲		۱	می‌خواهم او را لمس کنم و در آغوش بگیرم.
۰/۷۹۱		۲	نسبت به او احساس اشتیاق می‌کنم.
۰/۷۸۰		۳	می‌خواهم به نحوی با او تماس بگیرم. (از طریق نوشتن یا تلفن)
۰/۷۴۳		۴	می‌خواهم با او باشم.
۰/۷۱۹		۵	به او فکر می‌کنم.
۰/۶۶۸		۶	برای دیدن او هیجان زده هستم.
۰/۶۴۹		۷	می‌خواهم با او شادی کنم و خوش بگذرانم.
۰/۵۸۰		۸	نسبت به او احساس عشق می‌کنم.
۰/۵۰۳		۹	دل‌م می‌خواهد زمان هر چه زودتر سپری شود.
۰/۳۲۰*		۱۰	منتظر او هستم.
۰/۷۹۱		۱۱	خاطرات گذشته را مرور می‌کنم/ به یاد گذشته‌ها می‌افتم.
۰/۷۴۵		۱۲	خود را با او تصور می‌کنم.
۰/۷۳۰		۱۳	احساس نوستالژیک دارم. (با به یادآوری خاطرات گذشته احساس شادی)
۰/۶۵۳		۱۴	به آنچه که مرا به یاد او می‌اندازد نگاه می‌کنم.
۰/۶۱۵		۱۵	به این می‌اندیشم که آیا او به من فکر می‌کند یا نه؟
۰/۶۰۱		۱۶	با خود می‌اندیشم که او در حال انجام چه کاری است.
۰/۸۷۴		۱۷	احساس تنهایی می‌کنم.
۰/۷۸۱		۱۸	احساس دوری و جدایی می‌کنم.
۰/۷۷۷		۱۹	غمگین هستم.
۰/۵۶۶	۰/۵۵۳	۲۰	جای خالی او را احساس می‌کنم.

- عامل اول: اشتیاق به ارتباط و نزدیکی، عامل دوم: تفکر و تصویرسازی ذهنی، عامل

سوم: احساس غم و جدایی

- کلیه بارهای عاملی کمتر از ۰/۵ حذف شده‌اند.

- * = تنها بار عاملی کمتر از ۰/۵

برای بررسی تأثیر «رابطه از راه دور» بر میزان دلتنگی، آزمون t دو گروه مستقل برای دو گروه زوج‌های «دور» و «نزدیک» اجرا شد. نتایج بدست آمده (جدول ۳) نشان می‌دهد که مطابق با پیش‌بینی، این دو گروه در هر سه عامل و همچنین در نمره کل دلتنگی با یکدیگر

تفاوت دارند. همان طور که مشاهده می‌شود بیشترین تفاوت مربوط به عامل سوم (احساس غم و جدایی) است که بسیار معنادار است ($p < 0/01$). نمره کل دلتنگی در $p < 0/01$ معنادار بوده و دو عامل اول و دوم (اشتیاق به ارتباط و نزدیکی و تفکر و تصویرسازی ذهنی) در $p < 0/01$ معنی‌دار هستند.

جدول ۳. نتایج حاصل از مقایسه دو دسته از زوج‌های شرکت کننده با استفاده از آزمون t برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل.

عامل	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	سطح معناداری
اشتیاق به ارتباط و نزدیکی	در کنار هم	۴۶	۵/۶۰۵	۱/۲۳۴	۱/۸۵۶	۰/۰۶۶
	دور از هم	۴۷	۶/۰۱۷	۰/۸۶۸		
تفکر و تصویرسازی ذهنی	در کنار هم	۴۶	۴/۰۹۱	۱/۷۰۳	۱/۹۲۲	۰/۰۵۸
	دور از هم	۴۷	۴/۷۲۵	۱/۴۷۶		
احساس غم و جدایی	در کنار هم	۴۶	۳/۹۳۵	۱/۵۹۸	۳/۷۲۰	۰/۰۰۰
	دور از هم	۴۷	۵/۰۷۴	۱/۳۴۸		
کل نمره دلتنگی	در کنار هم	۴۶	۵/۴۴۱	۰/۹۷۲	۲/۷۲۲	۰/۰۰۸
	دور از هم	۴۷	۴/۸۱۷	۱/۲۲۲		

- در آزمون t مستقل دودامنه یکسانی واریانس‌ها در نظر گرفته نشد.

در این تحقیق در هیچ یک از عوامل و نمره کل دلتنگی تفاوت معناداری بین دو گروه زن و مرد مشاهده نشد. همچنین با استفاده از روش همبستگی پیرسون رابطه میان نمره کل دلتنگی با مدت زمان رابطه از راه دور و فاصله از آخرین بار دیدار بررسی شد که هیچ یک از این روابط معنی‌دار نبود. با رسم نمودار پراکنندگی و محاسبه ضریب ای‌تا هیچگونه رابطه غیر خطی نیز میان این متغیرها مشاهده نشد.

باوجود این که «الگوی اولیه» بدست آمده از «تحلیل اولیه» در مورد یک سازه را نمی‌توان به عنوان مقیاسی برای سنجش آن در نظر گرفت بلکه بهتر است تا پرسشنامه‌ای را با استفاده از

خصیصه‌های آن تهیه کرد، از آنجا که تهیه پرسشنامه در فرصت این پژوهش نبود و لی و همکاران نیز در نهایت «الگوی اولیه» بدست آمده را به عنوان مقیاس سنجش دلتنگی در دوران دوری بین فردی^۱ (MISS) معرفی کردند، مناسب است که ویژگی‌های روان‌سنجی این الگو برای استفاده از آن در تحقیقات بعدی آورده شود. این فرم «دلتنگی عاشقانه» نام گذاری شده و اطلاعات مربوط به آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس «دلتنگی عاشقانه»

تعداد سؤال	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف معیار
۲۰	۰/۹۲۱	۱۰۲/۶۵	۲۲/۸۲

برای بررسی روایی سازه گزینه «برای او دلتنگ بودم» در انتهای بیست خصیصه افزوده شد و رابطه میان نمره کل بدست آمده از «الگوی اولیه» دلتنگی و گزینه آخر به روش همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج، همبستگی ۰/۷۸۳ را نشان داد که در $p < ۰/۰۰۱$ معنادار است. از طرفی اجرای تحلیل عاملی و همچنین معنادار شدن تفاوت میان میانگین نمره‌های دو گروه زوج‌های «دور» و «نزدیک» در این مقیاس را می‌توان تأییدی بر روایی سازه آن در نظر گرفت. علاوه بر این برای بررسی همسانی درونی از محاسبه ضریب آلفا با حذف هر سؤال استفاده شد (جدول ۵). از آنجا که حذف هیچ سؤالی منجر به افزایش ضریب آلفای مقیاس نشد می‌توان گفت که این مقیاس از همسانی درونی بالایی برخوردار است. لازم به ذکر است که این فرم تنها برای سنجش دلتنگی عاشقانه در «روابط از راه دور» نیست بلکه به طور کلی برای اندازه‌گیری میزان دلتنگی در زوجها عاشق قابل استفاده است.

1. missing during interpersonal separation scale

جدول ۵. بررسی همسانی درونی مقیاس «دلتنگی عاشقانه» با حذف هر سؤال

عامل	خصیصه دلتنگی	عامل
اشتیاق به ارتباط و نزدیکی	می‌خواهم او را لمس کنم و در آغوش بگیرم.	آلفای کرونباخ با حذف سؤال در کل
	نسبت به او احساس اشتیاق می‌کنم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	می‌خواهم به نحوی با او تماس بگیرم.	آلفای کرونباخ
	می‌خواهم با او باشم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	به او فکر می‌کنم.	آلفای کرونباخ
	برای دیدن او هیجان زده هستم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	می‌خواهم با او شادی کنم و خوش بگذرانم.	آلفای کرونباخ
	نسبت به او احساس عشق می‌کنم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	دلم می‌خواهد زمان هر چه زودتر سپری شود.	آلفای کرونباخ
	منتظر او هستم.	آلفای کرونباخ هر عامل
تفکر و تصویرسازی ذهنی	خاطرات گذشته را مرور می‌کنم/ به یاد گذشته‌ها می‌افتم.	آلفای کرونباخ
	خود را با او تصور می‌کنم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	احساس نوستالژیک دارم.	آلفای کرونباخ
	به آنچه که مرا به یاد او می‌اندازد نگاه می‌کنم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	به این می‌اندیشم که آیا او به من فکر می‌کند یا نه؟	آلفای کرونباخ
احساس هم‌پایی	با خود می‌اندیشم که او در حال انجام چه کاری است.	آلفای کرونباخ هر عامل
	احساس تنهایی می‌کنم.	آلفای کرونباخ
	احساس دوری و جدایی می‌کنم.	آلفای کرونباخ هر عامل
	غمگین هستم.	آلفای کرونباخ
	جای خالی او را احساس می‌کنم.	آلفای کرونباخ هر عامل

نتیجه‌گیری

با استفاده از نتایج پژوهش حاضر می‌توان «دلتنگی عاشقانه» را که احساسی است ناشی از دوری از یار، با سه مؤلفه اصلی تعریف کرد که عبارتند از؛ تمایل به ارتباط و نزدیکی با یار، تفکر و

تصویرسازی ذهنی درباره او و احساس غم و جدایی. با مقایسه دو گروه از زوج‌های «دور» و «نزدیک» مشاهده شد که تفاوت میان این دو گروه در زمینه میزان دلتنگی معنادار است. این تفاوت از طرفی تأثیر جدایی از یار بر دلتنگی و از طرف دیگر روایی سازه مقیاس «دلتنگی عاشقانه» را (با نشان دادن تفاوت‌های گروهی) تأیید می‌کند. بالا بودن تفاوت دو گروه در عامل سوم یعنی احساس غم و جدایی امری در خور توجه است چرا که نشان می‌دهد زوج‌هایی که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند نیز دو عامل دیگر از عوامل دلتنگی را تا حدی تجربه می‌کنند اما عامل سوم مختص به زوج‌های با فاصله جغرافیایی است.

در عین حال تفاوت‌هایی میان یافته‌های پژوهش لی و همکاران و پژوهش حاضر مشاهده می‌شود، به این معنی که خصیصه‌هایی در هر دو «الگوی اولیه» وجود دارد که در دیگری یافت نمی‌شود که این مطلب می‌تواند نشان دهنده تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع دو پژوهش باشد. خصیصه‌های «فکر می‌کنم»، «درباره او با دیگران صحبت می‌کنم»، «درباره او رؤیایپردازی می‌کنم»، «نیاز جنسی دارم» و «درباره آینده فکر می‌کنم» در تحقیق لی آمده‌اند ولی در پژوهش حاضر مشاهده نمی‌شوند و خصیصه‌های «برای دیدن او هیجان زده هستم»، «می‌خواهم با او شادی کنم و خوش بگذرانم»، «نسبت به او احساس عشق می‌کنم»، «دلم می‌خواهد زمان هر چه زودتر سپری شود»، «منتظر او هستم»، «احساس تنهایی می‌کنم» و «جای خالی او را احساس می‌کنم» بالعکس در پژوهش حاضر بدست آمده‌اند ولی در تحقیق لی و همکاران وجود ندارند. همچنین بعضی از خصیصه‌ها که در تحقیق لی و همکاران به عنوان خصیصه‌های جدا مطرح شده‌اند، در تحقیق حاضر به دلیل بالا بودن ضریب همبستگی آن‌ها در مرحله دوم تحقیق در یکدیگر ادغام شدند (فیلد^۱) که عبارتند از: «می‌خواهم از طریق تلفن یا نوشتن با او در تماس باشم» با «می‌خواهم با او صحبت کنم» ($r=0/840$) یکی شد و «به آنچه که او را به یاد می‌آورد نگاه می‌کنم» با «به عکس‌های او نگاه می‌کنم» ($r=0/815$) یکی شد. یکی دیگر از تفاوت‌های به دست آمده نتیجه تحلیل عاملی در این دو پژوهش است. در تحقیق لی «الگوی اولیه» بدست

1. Field

آمده تک عاملی معرفی شد در حالی که در تحقیق حاضر سه عامل با ارزش ویژه بیشتر از ۱/۴۵ استخراج شد.

وجود خصیصه «احساس تنهایی می‌کنم» در پژوهش حاضر در واقع تأییدی است بر تمایز دو سازه دل‌تنگی و تنهایی در حین همپوشانی آنها. گفته شد که احساس تنهایی همان احساس فرد از جدا بودن از دیگران، بدون تأثیرپذیری از حضور فیزیکی آنها است. از روی این تعریف می‌توان گفت که تنهایی موجود در احساس دل‌تنگی، در واقع احساس تنهایی درونی نیست بلکه ناشی از تنها شدن نسبت به زمانی است که زوجها در کنار یکدیگر بوده‌اند و آنها لزوماً تنهایی فراگیر را تجربه نمی‌کنند.

از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان گفت که با توجه به نمونه‌های مورد استفاده نتایج برای تعمیم به کل جوانان ایرانی محدودیت دارد. از طرفی تعداد زنان در تمام نمونه‌ها بیشتر از مردان است. همچنین از آنجا که بیشتر افراد مرحله اول و دوم تحقیق با دل‌تنگی عاشقانه ناشی از دوری جغرافیایی ناآشنا بودند ممکن است جنبه‌هایی از دل‌تنگی عاشقانه در «روابط از راه دور» مورد بررسی قرار نگرفته باشد (البته این مسئله از جهتی مثبت است چرا که می‌توان از مقیاس بدست آمده در مورد تمامی زوجها استفاده کرد).

پژوهش‌های آینده در این قلمرو می‌توانند مسیرهای ثمربخشی را دنبال کنند؛ جمع‌آوری خصیصه‌های دل‌تنگی عاشقانه (مرحله اول و دوم) از زوجها‌هایی که دور از یکدیگر زندگی می‌کنند می‌تواند ابعاد دیگری از دل‌تنگی عاشقانه در «روابط از راه دور» را آشکار نماید، ترسیم نمودار روزانه دل‌تنگی با استفاده از روش تحقیق طولی برای بررسی تأثیر گذر زمان بر نحوه و میزان تجربه دل‌تنگی در «روابط از راه دور» بسیار مفید خواهد بود و بالأخره بررسی‌های بیشتر جهت تعیین تأثیر سبک دلبستگی بر تجربه دل‌تنگی عاشقانه و تهیه پرسشنامه دل‌تنگی منطبق با سبک دلبستگی افراد بسیار روشن کننده خواهد بود.

منابع لاتین

- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the Strange Situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Aron, A., & Westbay, L. (1996). Dimensions of the prototype of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 535-551.
- Aron, A., & Aron, E. N. (1997). *Self-expansion motivation and including other in the self*. In S. Duck (Ed.), *Handbook of personal relationships: Theory, research and interventions* (2nd ed., pp. 251-270). London: Wiley.
- Banthama J. H., Celuchb K. G., Kasouf C. J. (2003). A perspective of partnerships based on interdependence and dialectical theory. *Journal of Business Research*, 56, 265-274.
- Bowlby, J. (1994). *The making and breaking of affectional bonds*. New York: Routledge. (Original work published 1979).
- Burnett, P., Middleton, W., Raphael, B., Dunne, M., Moylan, A., & Martinek, N. (1994). Concepts of normal bereavement. *Journal of Traumatic Stress*, 7, 123-128.
- Fehr, B. (1988). Prototype analysis of the concepts of love and commitment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 55, 557-579.
- Field, A. P. (2005). *Exploratory Factor Analysis*. In A. P. Field (Ed.), *Discovering statistics using SPSS* (2nd ed., pp. 619-680). London: Sage.
- Fraley R. C. & Shaver P. R. (2000). *Adult Romantic Attachment: Theoretical Developments, Emerging Controversies, and Unanswered Questions, Review of General Psychology*, 4, 132-154.
- Frei, J. R., & Shaver, P. R. (2002). *Respect in close relationships: Prototype definition, self-report assessment, and initial correlates*. *Personal Relationships*, 9, 121-139.
- Friesen, M. D., & Fletcher, G. J. O. (2007). *Exploring the lay representation of forgiveness: Convergent and discriminate validity*. *Personal Relationships*, 14, 209-223.
- Hassebrauck, M. (1997). *Cognitions of relationship quality: A prototype analysis of their structure and consequences*. *Personal Relationships*, 4, 163-185.
- Hassebrauck, M., & Aron, A. (2001). *A prototype matching model of relationship quality*. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 1111-1122.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Helgeson, V. S. (1994). *Long-distance romantic relationships: Sex differences in adjustment and breakup*. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20, 254-265.
- Holt, P. A., & Stone, G. L. (1988). Needs, coping strategies, and coping outcomes associated with long distance relationships. *Journal of College Student Development*, 29, 136-141.
- Horowitz, L. M., French, R. D., & Anderson, C. A. (1982). *The prototype of a lonely person*. In L. A. Peplau & D. Perlman (Eds.), *Loneliness: A sourcebook of current theory, research and therapy* (pp. 183-205). New York: Wiley.

- Kearns J. N. & Fincham F. D. (2004). *A Prototype Analysis of Forgiveness*. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 838-855.
- Knee, C. R. (1998). Implicit theories of relationships: Assessment and prediction of romantic relationship initiation, coping, and longevity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 360-370.
- Kübler-Ross, E. (1997). *On death and dying*. New York: Scribner.
- Le, B., Loving, T. J., Lewandowski, JR. G. W., Feinberg, E. G., Johnson, K. C., Fiorentino, R. & Ing, J. (2008). *Missing a romantic partner: A prototype analysis*. *Personal Relationships*, 15, 511-532.
- Lewandowski, G. W. J., Aron, A., Bassis, S., & Kunak, J. (2006). *Losing a self-expanding relationship: Implications for the self-concept*. *Personal Relationships*, 13, 317-331.
- Luanagh, C. O. & Lawlor, B. A. (2008). Loneliness and the health of older people. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1213-1221.
- Lydon, J., Pierce, T., & O'Regan, S. (1997). Coping with moral commitment to long-distance dating relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 104-113.
- Mandler, G. (1975). *Mind and emotion*. New York: Wiley.
- Mietzner, S., & Lin, L-W. (2005). *Would you do it again? Relationship skills gained in a long-distance relationship*. *College Student Journal*, 39, 192-200.
- Peplau L. & Perlman D. (1982). *Perspectives on loneliness*. In *Loneliness: A Sourcebook of Current Theory, Research and Therapy*. Peplau L.A., Perlman D. (Eds.). Wiley-Interscience: New York.
- Rhodes, A. R. (2002). Long-Distance Relationships in Dual-Career Commuter Couples: A Review of Counseling Issues. *The Family Journal*, 10, 398-404.
- Rosch, E. H. (1973). *Natural categories*. *Cognitive Psychology*, 4, 328-350.
- Rusbult, C. E., & Buunk, B. P. (1993). Commitment processes in close relationships: An interdependence analysis. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 175-204.
- Sahlstein, E. M. (2004). Relating at a distance: Negotiating being together and being apart in long-distance relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 689-710.
- Sharpsteen, D. J. (1993). Romantic jealousy as an emotion concept: A prototype analysis. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 69-82.
- Stafford L. & Merolla A. J. (2007). Idealization, reunions, and stability in long-distance dating relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 24(1), 37-54.
- Stafford L., Merolla A. J., & Castle J. D. (2006). When long-distance dating partners become geographically close. *Journal of Social and Personal Relationships*, 23(6), 901-919.
- Thibaut, J. W., & Kelley, H. H. (1959). *The social psychology of groups*. New York: Wiley.